

نشریه علمی
پژوهشنامه ادبیات تعلیمی
سال سیزدهم، شماره پنجاهم، تابستان ۱۴۰۰

تحلیل رفتار شخصیت‌های داستانی منظومه خسرو و شیرین نظامی بر اساس نظریه رشد اخلاقی کلبه‌گ

سیمین آرامی* - دکتر علی دهقان**

دکتر ژایلا صراطی*** - دکتر حسین حاجی‌زاده****

چکیده

خسرو و شیرین نظامی گنجوی برای آموزش اخلاق سروده نشده است؛ اما مسئله «اخلاق» در رفتار شخصیت‌های داستان‌های غنایی این اثر ویژگی‌های منحصر به فردی می‌یابد؛ زیرا در تنگنای روابط عاطفی و گاهی بیرون از اختیار و اراده عاشقانه، جایگاه اخلاق و کنشگر آن در موقعیت نامتعارف قرار دارد. آثار نظامی از دیدگاه تربیتی و اخلاقی بررسی شده است؛ اما در این مقاله رفتار اخلاقی اشخاص منظومه در چارچوب یک نظریه علمی تحلیل می‌شود. تئوری رشد اخلاقی لارنس کلبه‌گ از جمله رویکردهای روان‌شناسانه و شناخت‌گرایانه به مسئله اخلاق است که پژوهش‌های مختلفی بر مبنای آن

* گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران

simin.arami124@gmail.com

** گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران (نویسنده مسؤول)

a_dehghan@iaut.ac.ir

*** گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران

zh.serati@yahoo.com

**** گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران

hajizadehosein@gmail.com

تاریخ پذیرش ۱۴۰۰/۱/۱۸

تاریخ وصول ۱۳۹۹/۱۰/۶

انجام شده است. هدف اصلی این پژوهش نیز کاربرد نظریه رشد اخلاقی کلببرگ در رفتار شخصیت‌های داستان خسرو و شیرین و پاسخ به این پرسش است که «آیا درجات اخلاقی اشخاص داستان یادشده را می‌توان با مراحل رشد اخلاقی کلببرگ تفسیر و تحلیل کرد؟». با بررسی این موضوع به روش توصیفی - تحلیلی در داستان خسرو و شیرین، شش گروه یا مؤلفه اخلاقی مهم مربوط به رفتار شخصیت‌های داستان شناسایی شده است. هریک از آن مؤلفه‌ها، کنش‌های متعددی را شامل می‌شود. هر کنش بر انگیزه یا استدلال خاصی استوار است که در تبیین تئوری کلببرگ نیز دیده می‌شود.

واژه‌های کلیدی

نظامی، خسرو و شیرین، رشد اخلاقی، کلببرگ

مقدمه

قلمرو اخلاق از پویاترین حوزه‌های پژوهشی روزگار شناخته می‌شود. از منظر فلسفه اخلاق، عوامل و زمینه‌های رفتار انسان پدیده مشترک و جهانی است که پژوهش‌های علمی می‌تواند آن‌ها را بررسی و تحلیل کند. این نگرش موجب شده است نظریه‌های اخلاقی متعددی شکل بگیرد. نظریه سطوح و مراحل رشد اخلاقی لارنس کلببرگ، یکی از تئوری‌های جدید در این زمینه است که اخلاق را در مراحل رشد سنی بررسی می‌کند. تئوری کلببرگ علل رفتار اخلاقی انسان را در موقعیت‌های عادی و بحرانی نشان می‌دهد؛ زیرا «درون‌داده‌های اجتماعی مختلف، رشد اخلاقی را برمی‌انگیزانند. تحقیق روی تجارب اجتماعی و قضاوت اخلاقی به‌طور کلی با این تز هماهنگ است که انواع مشارکت اجتماعی و دیدگاه‌پذیری، نقش مهمی در رشد قضاوت اخلاقی دارند» (جهانگیرزاده، ۱۳۹۰: ۱۰۷). در داستان‌های غنایی و عاشقانه نیز رعایت مسائل اخلاقی ویژگی‌های انحصاری دارد؛ زیرا اخلاق در تنگنای روابط عاطفی و گاهی بیرون از اختیار و اراده عاشقانه، وضعیت بحرانی می‌یابد. داستان خسرو و شیرین نظامی گزارنده روابط و عواطف عمیق عاشقانه است و سراینده آن انسانی کمال‌اندیش، آزادی‌خواه و دادجوست؛

در نتیجه «رفتار اخلاقی» اشخاص داستان جلوه توجیه‌برانگیزی می‌یابد. تئوری رشد اخلاقی کلبگ از جمله رویکردهای استدلال‌محور و روان‌شناسانه به مسئله اخلاق است که در جهان، پژوهش‌های مختلفی بر مبنای آن صورت گرفته است. از نظر کلبگ، «میان رشد اخلاقی و رشد روان‌شناختی درجه‌ای از همسانی برقرار است» (نصیری، ۱۳۸۷: ۲). در مقاله پیش رو نیز داستان خسرو و شیرین برای مطالعه علمی بر مبنای نظریه رشد اخلاقی لارنس کلبگ برگزیده شده است. این موضوع با وجود توجه پژوهندگان به مسائل اخلاقی در خمسه نظامی، پژوهش کاملاً جدیدی است و پیشینه عینی ندارد.

۱-۱ پیشینه پژوهش

در مقاله «صفات اخلاقی عاشق در عاشقانه‌های نظامی» (عسگری، ۱۳۹۵)، فقط اخلاق خسرو، فرهاد، مجنون و ابن‌سلام به‌اجمال توصیف شده است. لویمی (۱۳۹۶) مقاله‌ای با عنوان «اخلاق‌مداری در شخصیت‌های مطرح در منظومه خسرو و شیرین» را در همایش ادبیات غنایی ارائه کرده است که در آن، شواهدی از منبع مطالعه‌شده دیده نمی‌شود و نویسنده فقط به نقل سخنان دیگران بسنده کرده است.

مقالاتی نیز از نظر بررسی الگوی کلبگ، با مقاله حاضر مشابهت دارند. در پژوهش نوروزی و عاطفت‌دوست (۱۳۹۰) مبنای تربیت اخلاقی از دیدگاه کلبگ، درک و استدلال مخاطبان است؛ ولی از دیدگاه خواجه نصیر نفس انسانی مبنای تربیت انسانی است. طبق تحقیق بخشایش و فرزاد (۱۳۹۳)، نظریه کلبگ مراحل را براساس محدوده سنی افراد طبقه‌بندی می‌کند؛ اما اسلام مراحل را مبتنی بر رشد سطح معرفت و شناخت افراد می‌داند. مطابق بررسی رحمانیان (۱۳۹۳)، قابوسنامه عنصرالمعالی علاوه بر داشتن مراحل رشد کلبگ دربردارنده مراحل بیشتری است که از دین نشأت گرفته است. وی برخلاف کلبگ فقط به ترسیم انواع مراحل رشد اخلاقی بسنده نمی‌کند؛ بلکه درباره شیوه بهره‌وری از افراد دیگر اندرز نیز می‌دهد. همچنین بر مبنای نظریه کلبگ رسیدن به سطح فراقراردادی در بزرگسالان تقریباً امکانپذیر نیست؛ ولی از نظر عنصرالمعالی باتکیه بر قوانین الهی و مذهب حتی به این مرحله هم می‌توان رسید. بنابراین پژوهش

سلمان‌زاده و فرهادی (۱۳۹۴) در سیره نبوی شیوه‌های آموزشی اساسی‌ترین روش‌های تربیت اخلاقی است؛ ولی شیوه‌های تربیت اخلاقی براساس رویکرد کلب‌برگ، استدلال و تفکر برای برطرف کردن تعارض مسائل اخلاقی است. مطابق پژوهش شعاع کاظمی و همکاران (۱۳۹۴)، مراحل رشد اخلاقی کودکان هفت تا دوازده سال با الگوی کلب‌برگ همسویی دارد. نتیجه پژوهش رضایی (۱۳۹۱) نشان می‌دهد که تحول اخلاقی، الگویی جهانی دارد و ترتیب و توالی مراحل تحول اخلاقی در همه فرهنگ‌ها یکسان و ثابت و بدون تغییر است.

۱-۱ پرسش و روش پژوهش

آثار غنایی نظامی به‌جز جذبه عشق، جلوه‌های گوناگون حیثیت و عظمت گوهر انسانی است. نظامی در سیمای قهرمانان قصه‌هایش هویت انسان آرمانی را به تصویر کشیده است. «اخلاق» عنصر اصلی شخصیت انسان آرمانی اوست؛ اما اخلاق در رفتار اشخاص داستان وی نمودهای نامتوازن و پرنوسانی دارد. نظریه رشد اخلاقی لارنس برای تبیین و تفسیر این‌گونه رفتارها کاربرد توجه‌برانگیزی دارد. هدف این پژوهش بررسی امکان تحلیل رفتار اشخاص داستان خسرو و شیرین در چارچوب نظریه رشد اخلاقی کلب‌برگ و پاسخ به این پرسش است که «هریک از رفتارهای اخلاقی شخصیت‌های داستان خسرو و شیرین با کدام مراحل رشد اخلاقی نظریه کلب‌برگ مطابقت دارد؟».

رفتارهای حوزه این پژوهش کنش‌های اخلاقی شخصیت‌های داستان خسرو و شیرین است، نه پندهای نظامی گنجوی؛ همچنین رفتارهایی در این پژوهش بررسی شده است که نشانه رشد اخلاقی است، نه رداییل و رفتارهایی که جنبه تجمل‌گرایانه دارد؛ نیز رفتارهای ارادی و اختیاری مدنظر بوده است، نه رفتارهایی که به حکم وظیفه انجام شده است. البته در همه این موارد باید انگیزه یا استدلال‌های اخلاقی رفتار شخصیت‌ها به توصیف مستقیم یا نظر ضمنی نظامی گنجوی مستند باشد.^۱

۲-۱ مبانی نظری

در عمل، اخلاق «دستوری است علیه تمایلات» (کانت، ۱۳۸۸: ۶۱). رفتار اخلاقی بر ظرفیت‌های فطری آدمی در تمییز خوب و بد، جنبه انگیزشی و عاطفی، رشد تفکر و

قضاوت عقلی، تجارب و وضعیت عمومی زندگی (اجتماعی، آموزشی و فرهنگی) مبتنی است. در زمینه رشد تفکر و قضاوت، رشد اخلاقی^۲ یکی از مفاهیمی است که روان‌شناسان به آن توجه کرده‌اند.

تحقیقات روان‌شناختی در موضوع رشد اخلاقی با مفهوم وجدان در آثار فروید و مفهوم استدلال اخلاقی در آثار ژان پیاژه آغاز شد (رک. جهانگیرزاده، ۱۳۹۰: ۱۰۲). از نظر پیاژه، استدلال اخلاقی یعنی کاربرد اصول منطق در مسائل اخلاقی برای اینکه مشخص شود چه عملی درست یا نادرست است (فانی و فانی، ۱۳۹۴: ۹۳). در دیدگاه پیاژه، جوهره اخلاق رشدیافته «تعادل ایدئال» یا همان انصاف و عدالت است که از کنش‌ها و واکنش‌های افراد به یکدیگر ناشی می‌شود. به اعتقاد او عدالت رشدیافته «محدودیت‌های متعادلی است که در جریان تبادل دیدگاه‌ها با همسالان تعیین شده و به تدریج بهبود می‌یابد» (Piaget, 1965: 318).

کلبرگ پیشگام استفاده از تئوری تحول اخلاقی است. او در بررسی‌های خود شناخت (استدلال) را اساس پژوهش خود قرار داد. برخلاف دیدگاه‌های سنتی در اندیشه غرب که اخلاق را تابع فرهنگ می‌داند، دیدگاه «شناختی-تحولی» روندهای سنی کلی (بین فرهنگی) را در رشد اخلاقی به رسمیت می‌شناسد که سرانجام به صلاحیت اخلاقی می‌انجامد. همچنین برخلاف دیدگاه‌های سنتی که عاطفه را منبع انگیزشی رفتار اخلاقی می‌داند، دیدگاه شناختی-تحولی، انگیزه اخلاقی را بر شناخت و تحول شناختی مبتنی می‌داند (Gibbs, 1995: 27).

کلبرگ اعتقاد دارد که رشد اخلاقی در طی مراحل مختلفی (از کودکی تا نوجوانی) شکل می‌گیرد. با رشد فرد، استدلال اخلاقی وی از حالت کنترل بیرونی به حالت کنترل درونی شده تغییر می‌یابد؛ اما یک فرد معمولاً از جهاتی در مرحله پایین‌تر قضاوت اخلاقی و از جهات دیگری در مرحله بالاتر قرار می‌گیرد.

طبق این نظریه، مراحل رشد اخلاقی از یک سلسله‌مراتب منطقی پیروی می‌کنند. در هر مرحله جدید، افراد دیدگاهشان را درباره اخلاق درک می‌کنند و به نارسایی مرحله قبلی پی می‌برند (جهانگیرزاده، ۱۳۹۰: ۱۰۹).

از نظر کلبرگ تفکر اخلاقی سه سطح دارد. الف) استدلال پیش‌قراردادی که پایین‌ترین سطح از رشد اخلاقی است؛ فرد هنوز هیچ‌یک از ارزش‌های اخلاقی را در خود درونی نکرده است و استدلال اخلاقی او تابع پاداش و تنبیهی است که از بیرون موجب کنترل رفتار وی می‌شود؛ ب) استدلال قراردادی که در این سطح، رشد قضاوت اخلاقی فرد تابع هنجارهای درونی شده‌ای است که اساساً از دیگران (خاصه والدین) و از محیط اجتماعی (مانند قوانین اجتماعی) به او تحمیل می‌شود؛ ج) استدلال پس‌قراردادی بالاترین سطح رشد است که در آن، استدلال اخلاقی به‌طور کامل در فرد درونی شده است و بر هنجارهای دیگران مبتنی نیست. فرد شخصاً می‌تواند جریان‌های مختلف اخلاقی را تشخیص دهد و راه‌های گوناگون اخلاقی را کشف کند (Kohlberg, 1976: 13).

هریک از سطوح اخلاقی دارای دو مرحله رشد است؛ مرحله یک کلبرگ، مانند اخلاق بیرونی پیاژه، منعکس‌کننده گرایش طبیعی است (Kohlberg, 1984: 624). مرحله دوم تبادلی است. پایبندی به تعهد با این هدف معنی می‌یابد که دیگران نیز به تعهدات خود پایبند باشند (همان: ۶۲۶). مرحله سوم، روابط مبتنی بر اعتماد متقابل است «دوجانبه‌گرایی مرحله سه به فرد امکان می‌دهد تا از ایده‌های عینی در مورد مبادله برابر، فراتر رفته و در مسیر حفظ روابط، توجه به انتظارات دیگران و احساسات قدردانی و تعهد، حرکت کند» (همان: ۶۲۸). در مرحله چهار، معیارها و ادراکات مشترک مبنای زندگی اجتماعی است (همان: ۱۸۵). کمک به دیگران و احترام به قانون و رسوم اجتماعی تا حد واقع‌نشدن تعارض میان آن‌ها پیش می‌رود. مرحله پنج با اصول تعامل اجتماعی مشخص می‌شود. در مرحله ششم، عاملیت فرد خاستگاه تعریف تعهد بوده، دقیقاً به معنای «قوانین از ناحیه خود» (فراقراردادی، جهان‌شمول و انسانی) است. زمانی که قوانین، اصول اخلاقی را نقض می‌کند، فرد براساس اصول اخلاقی خود عمل خواهد کرد (همان: ۱۷۳).

۲- بررسی و تحلیل

خسرو و شیرین شخصیت‌های اصلی داستان منظور هستند؛ اما هرمز، شاپور، فرهاد،

مهمین بانو و اطرافیان شیرین نیز نقش‌های مؤثری در نمایش رفتارهای اخلاقی دارند. تئوری مراحل رشد اخلاقی کلبگ مبنایی برای ارزیابی استدلال‌های اخلاقی این شخصیت‌هاست. بنابر وجه مشترک، رفتارهای اخلاقی این تحلیل در شش عنوان طبقه‌بندی شده است.

۱-۲ عدالت‌خواهی و دادگری

اندیشمندان حوزه اخلاق، عدالت را تعادل در امور دانسته‌اند. فارابی در کتاب *اندیشه‌های اهل مدینه فاضله* خود این تعادل را، هم در قوای نفسانی و هم در روابط فردی نافذ شناخته است: «عدالت هم در باب اخلاق فردی منتجی است از تسالم و تعادل مابین نفوس ثلاثه (ناطقه، سبعی، بهیمی) و هم در اجتماع نیز نتیجه‌ای از همان تعادل نفس پادشاه و رعیت» (ثروت، ۱۳۷۰: ۱۹۰). نراقی نیز بر نقش تعدیل‌کنندگی آن در میان صفات و افعال تأکید کرده است (رک. نراقی، ۱۳۷۱: ۷۸). از نظر افلاطون «عدالت مستلزم همه فضائل بود» (طوسی، ۱۳۶۴: ۱۴۳)؛ اما در اشعریّت و از جمله در نظر غزالی هرچه مالک در ملک خود انجام دهد، عادلانه خواهد بود (یثربی، ۱۳۸۱: ۱۱). با این پارادایم، نهایت عدل، ظلم‌نکردن خود حاکم و جلوگیری از تعدی به مردم در قلمرو حکومت اوست. در جوامع خودکامه «مفهوم عدل در واقع به معنی برقرارکردن امنیت و عدم ظلم و تعدی افراطی به افراد تلقی می‌شد» (معدن‌کن، ۱۳۸۴: ۷۲). عدالتی که در نگرش و گزارش نظامی گنجوی دیده می‌شود، غالباً در این محدوده قرار دارد.

نخستین صفتی که نظامی هرمز را با آن یاد می‌کند، «دادگری» است. به گفته او، زمانی که هرمز به پادشاهی رسید به رسم و آیین پدر عدل و داد می‌کرد:

| | |
|-----------------------------|--------------------------------|
| که چون شد ماه کسری در سیاهی | به هرمز داد تخت پادشاهی |
| جهان‌افروز هرمز داد می‌کرد | به داد خود جهان آباد می‌کرد |
| همان رسم پدر بر جای می‌داشت | دهش بر دست و دین برپای می‌داشت |

(نظامی، ۱۳۷۶: ۵۸۶-۵۸۸)

بنابر توصیف نظامی، انگیزش عمل هرمز با تربیت و به‌ویژه رعایت اخلاق از روی رعایت رسوم و قواعد، نسبت دارد. این استدلال به مرحله سوم رشد اخلاقی کلبگ ناظر

است.

آنگاه که هرمز صاحب پسر شد، برای سلامت فرزندش، پرویز مردم را ملزم کرد تا از تعدی به دیگران بپرهیزند:

| | |
|----------------------------|----------------------------------|
| منادی را ندا فرمود در شهر | که وای آن کس که او بر کس کند قهر |
| اگر اسبی چرد در کشتزاری | وگر غصبی رود بر میوه‌داری |
| وگر کس روی نامحرم بیند | همان در خانه ترکی نشیند |
| سیاست را ز من گردد سزاوار | برین سوگندهایی خورد بسیار |
| چو شه در عدل خود نمود سستی | پدید آمد جهان را تندرستی |

(همان: ۶۳۴-۶۳۸)

از آنجایی که اتخاذ چنین تدابیری از هرمز برای دفع بلا از جان پرویز و به نفع شخصی بوده است، مبنای عمل اخلاقی او با مرحله دوم از مراحل رشد اخلاقی کلبِ رگ مطابقت دارد.

خسرو در جوانی و در یک برنامه شکار، با همراهان خود شبانگاه در خانه دهقانی به شادخواری مشغول می‌شود. بامدادان اسبی از چشم او محصول مزرعه، و غلامش غوره‌های آن را تباه می‌کند. خبر به هرمز می‌رسد و به دستور او اسب را می‌کشند؛ چنگ را می‌شکنند و غلام خسرو را به صاحب باغ و خانه را به صاحب‌خانه می‌بخشند.

| | |
|--------------------------------|-----------------------------|
| سیاست بین که می‌کردند ازین پیش | نه با بیگانه با دردانه خویش |
|--------------------------------|-----------------------------|

(همان، ۱۳۷۶: ۶۷۲)

هرمز تحت تأثیر اعتراض درباریان، در برابر رفتار خسرو و ملازمانش واکنش نشان می‌دهد. این رفتار «از روی رعایت رسوم و قواعد جمعی، برای هم‌رنگی با جماعت و برای پرهیز از پذیرفته‌نشدن» صورت می‌گیرد و استدلال اخلاقی آن بر مرحله سوم رشد اخلاقی کلبِ رگ منطبق است.

خسرو پس از پدر بر تخت می‌نشیند و به گفته نظامی داد می‌ورزد:

| | |
|------------------------------|-------------------------------|
| جهان را از عمارت داد یاری | ولایت را ز فتنه رستگار |
| ز بس کافتادگان را داد می‌داد | جهان را عدل نوشروان شد از یاد |

(همان: ۱۳۷۶: ۱۶۳۷-۱۶۳۸)

ذکر نام انوشیروان در این ماجرا، بر پیشینه آوزاه وی در دادورزی برمی‌گردد. «در تاریخ سیاسی ایران وجه عدالت انوشیروان در سایه قدرت این پادشاه به وی اعطا شده است» (ایمان‌پور و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۸)؛ ولی در تاریخ فرهنگی ایران، انوشیروان الگوی عدالت است. نظامی دادگری خسرو را با میزان عدل نوشیروان می‌سنجد. دادورزی خسرو نیز اصولاً مبتنی بر رعایت اخلاق از روی «رعایت رسوم و قواعد» رایج است که مرحله سوم رشد اخلاقی کلبرگ بر آن تمرکز دارد.

به روایت نظامی، وقتی بزرگ‌امید چهل قصه در چهل نکته مهم و اخلاقی از کلیله برای خسرو تعریف کرد، دل خسرو به پارسایی گرایید و آیین بیداد را کنار گذاشت:

چو برگفت این سخن پیر سخن‌سنج دل خسرو حصاری گشت از آن گنج
پشیمان شد ز بدعت‌های بیداد سرای عدل را نو کرد بنیاد
(نظامی، ۱۳۷۶: ۵۶۰۴-۵۶۰۵)

خسرو از ترک بدعت بیداد و «رعایت رسوم و قواعد جمعی، برای هم‌رنگی با جماعت و پرهیز از پذیرفته‌نشدن» دادگری پیش گرفت. این عمل او با مرحله سوم رشد اخلاقی کلبرگ (اعتماد متقابل) تطبیق‌پذیر است.

خسرو پرویز پنج طبقه ثروتمندان، نیازمندان و فقیران، بیماران ناتوان، اسیران و درنهایت قاتلان را در روز یک بار کنار هم می‌نشاند تا با پندگرفتن از وضع طبقه فرودست خود، به شکرانه نعمت و موقعیت خود، از تعدی و جور پرهیزند:

توانگر چون سوی درویش دیدی شمار شکر بر خود بیش دیدی
چو در بیمار دیدی چشم درویش گرفتی بر سلامت شکر در پیش
چو دیدی سوی بندی مرد بیمار به آزادی نمودی شکر بسیار
چو برخونی فتادی چشم‌بندی گشادی لب به شکر به پسندی
چو دیدی خونی امید رهایی فزودی شمع شکرش روشنایی
در خسرو همه‌ساله بدین داد چو مصر از شکر بودی شکرآباد
(همان: ۳۶۷۰-۳۶۷۶)

این رفتار را می‌توان به «رعایت اخلاق از روی رعایت رسوم و قواعد جمعی» مستدل

دانست که کلبرگ آن را در مرحله سوم رشد اخلاقی قرار می‌دهد.

طلیعه حکومت مشروع از نظر نظامی دادپیشگی است. شیرین وقتی به جای مهین بانو بر تخت شاهی ارمن تکیه زد، بر داد آغازید:

| | |
|----------------------------|----------------------------|
| چو بر شیرین مقرر گشت شاهی | فروغ ملکش از مه تا به ماهی |
| به انصافش خلایق شاد گشتند | همه زندانیان آزاد گشتند |
| ز هر دروازه‌ای برداشت باجی | نجست از هیچ دهقانی خراجی |
| ز مظلومان عالم جور برداشت | همه آیین جور از دور برداشت |

(همان: ۲۵۰۵-۲۵۰۸)

آثار دادگری شیرین، طبق این ابیات، اقشار اجتماعی را فرامی‌گیرد و مایه شادی و فراخی در زندگی مردم می‌شود. دفع ظلم، آزادی زندانیان، رفع باج و خراج و فراوانی محصول و قطع قحطی می‌تواند مبین عدل و داد پادشاه باشد. با اینکه در حکومت شیرین هیچ آزاری به مردم نمی‌رسد، مدتی بعد پادشاهی را به یکی از بزرگان درگاهش می‌سپارد:

| | |
|-------------------------------|-----------------------------|
| در آن یک سال کاو فرماندهی کرد | نه مرغی بلکه موری را نیاززد |
| همی ترسید کز شوریده‌رایی | کند ناموس عدلش بی‌وفایی |
| به مولایی سپرد آن پادشاهی | سرش سیر آمد از صاحب کلاهی |

(همان: ۲۵۲۶، ۲۵۲۸، ۲۵۳۲)

بنابر اشاره بیت سوم، شیرین می‌ترسید پریشانی خاطر او برای خسرو، باعث اجحاف در حق مردم و در نتیجه بی‌عدالتی شود. نگرانی از ضمانت رواج عدالت، او را از ادامه پادشاهی و حکومت باز می‌دارد. این استدلال برای «رعایت اخلاق برای رفاه و نفع همگان؛ احترام به افراد» مطابق نص مرحله پنجم نظریه اخلاقی کلبرگ (تعامل اجتماعی) است.

۲-۲ پاکدامنی و عفت

در علم اخلاق «عفت» جزو چهار فضیلت اصلی شمرده می‌شود و ثمره رشد عقلانی است؛ زیرا عفت نتیجه کنترل شهوت با عقل است (رک. فیروزمهر، ۱۳۹۰: ۱۶). این فضیلت نخستین بار در رویارویی شیرین و خسرو نمود می‌یابد. وقتی که خسرو عازم ارمن بود، در راه به چشمه‌ای رسید که شیرین در آن آب تنی می‌کرد. شیرین وقتی از آب بیرون آمد به محض مشاهده خسرو، مضطربانه بدن خود را با گیسوانش پوشاند:

چو ماه آمد برون از ابر مشکین به شاهنشاه در آمد چشم شیرین
... ز شرم چشم او در چشمه آب همی لرزید چون در چشمه مهتاب
جز آن چاره ندید آن چشمه قند که گیسو را چو شب بر مه پراگند
(نظامی، ۱۳۷۶: ۱۲۶۱-۱۲۶۴)

شیرین نمی‌خواست بر دامن او غبار ننگ بنشیند (همان: ۱۲۹۰). در دیار شیرین «در عین آزادی معاشرت، شخصیت دختران پاسدار عفاف ایشان است که به‌جای ترس از پدر و بیم بدگویان، محتسبی در درون خود دارند و حرمتی برای خویشان قائل‌اند» (سیرجانی، ۱۳۸۴: ۱۲). انگیزه شیرین با اصول مرحله ششم رشد اخلاقی کلببرگ همخوان است. در این مرحله انگیزه فرد برای رفتار اخلاقی، این است که به ندای وجدان خویش عمل کرده باشد (کدیور، ۱۳۷۸: ۵۳).

پوشش مناسب برای شیرین اهمیت بسیاری دارد. او پوشیدگی خود را معادل پرهیزگاری و مبارک‌رویی می‌خواند:

مبارک رویم اما در عماری مبارک بادم این پرهیزگار
(نظامی، ۱۳۷۶: ۴۵۱۶)

شیرین در رویارویی با کنیزان خسرو، از گشاده بودن بازوی آنان در شگفت می‌شود و آن‌ها را به ردالت متهم می‌کند:

چو زهره برگشاده دست و بازو بهای خویش دیده در ترازو
(همان: ۱۵۸۲)

پرهیزگاری شیرین را بر آن می‌دارد که قصر خسرو را ترک کند و در «قصر شیرین» اقامت گزیند.

چو من بودم عروس پارسایی از آن مستی جلب جستم جدایی
دل خود بر جدایی راست کردم وز ایشان کوشکی درخواست کردم
(همان: ۱۵۸۳-۱۵۸۴)

شیرین با این استدلال، تنهایی را برگزید. این پارسایی مرحله ششم رشد اخلاقی کلببرگ (فراقانونی و فردی) را تداعی می‌کند. شیرین به‌خاطر بی‌مبالاتی خسرو، حریم خود را از او دور نگه می‌دارد و بی‌حرمتی در این باره را نمی‌پذیرد:

از آن آتش که بر خاطر گذر کرد ترش‌رویی به شیرین در اثر کرد
 ... نهان در گوش خسرو گفت شاپور اگر مه شد گرفته هست معذور
 زبهر آنکه خود را تا به امروز به نام نیک پرورد آن دلافرز
 کنون ترسد که مطلق دستی شاه نهد خال خجالت بر رخ ماه
 (همان: ۵۱۷۶ و ۵۱۷۶-۵۱۸۰)

انگیزش اخلاقی شیرین از روی ناراحتی، شرم و حیاست. شیرین می‌ترسد مبدا گستاخی شاه او را بی‌آبرو کند. دلیل او با مرحله پنجم رشد اخلاقی کلبرگ (تعامل اجتماعی) مطابقت دارد.

۲-۳ عفو، تواضع و جوانمردی

بخشش در جایگاه یک پیشرفت شخصی، حرکت از موقعیت تنفر و خشم به کاهش خشم و نگرفتن انتقام از خطاکار تعریف می‌شود (Baharudin, et.all, 2011: 74). به نقل از ایمانی‌فر و همکاران، (۱۳۹۱). هرمز، اسب و غلامان خسرو را به علت بی‌رسمی در حق رعایا مصادره می‌کند؛ اما با پایمردی درباریان، او را می‌بخشد. بخشش هرمز از نظر اخلاقی «رفاه و نفع همگان، احترام به حرمت و فردیت افراد» را در پی دارد. استدلال این منش هرمز، موضوع مرحله پنجم رشد اخلاقی کلبرگ است:

چو هرمز دید کان فرزند مقبل مـداوای روان و میـوۀ دل
 بدان فرزانگی و اهسته‌رائیست بدانست او که آن ظلّ خدایست
 سرش بوسید و شفقت بیش کردش ولیعهد سپاه خویش کردش
 (نظامی، ۱۳۷۶: ۶۹۹-۷۰۱)

آنگاه که شیرین به قصد دیدار خسرو از دیار ارمن می‌رود، مهین بانو از شنیدن خبر فرار شیرین متأثر می‌شود؛ اما لشکریان را از تعقیب بازمی‌دارد و موقع برگشتش بی‌هیچ عتابی، به استقبالش می‌رود. بخشش مهین بانو در این روایت با کرامت او مناسبت دارد و با مرحله ششم اصول اخلاقی کلبرگ همخوان است:

... سرش در بر گرفت از مهربانی جهان از سر گرفتش زندگانی
 ... ز گنج خسروی و ملک شاهی فداکردش که می‌کن هرچه خواهی
 شکنج شرم در مویش نیاورد حدیث رفته با رویش نیاورد
 (همان: ۱۶۵۸-۱۶۵۰)

هنگامی که خسرو به خاطر رفتار نابهنجار با دهقان و اموال او در معرض بدبینی و تنبیه پدر و پیامد این رفتار قرار گرفته بود، عذر تقصیر پیش آورد و پیران دربار را به شفاعت برانگیخت:

شفیع انگیخت پیران کهن را که نزد شه برند آن سروبن را
مگر شاه آن شفاعت درپذیرد گناه رفته را بر وی نگیرد...
(همان: ۶۸۱-۶۸۲)

عذرخواهی و ندامت خسرو با رعایت نفع شخصی، به مرحله دوم رشد اخلاق کلبرگ ناظر است؛ اما رعایت این «اخلاق به خاطر نزدیکی به سرچشمه‌های اقتدار و پذیرفته شدن از طرف صاحبان قدرت و کسب شأن اجتماعی» با مرحله چهارم نظریه کلبرگ مطابقت دارد. خسرو شکرگزاری این بخشش را فرونگذاشت:

چو آمد زلف شب در عطرسایی به تاریکی فروشد روشنایی
... به طاعت‌خانه شد خسرو کمر نیایش کرد یزدان را و بنشست
(همان: ۷۰۴-۷۰۶)

غزالی «اعتذار (توبه) و شکر» را از انواع فضایل اخلاقی عرفانی می‌داند. این نگرش او از توجه به روح و جنبه باطنی عبادات و عادات ناشی می‌شود (رک. گلستانی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۷). دلیل اخلاقی خسرو برای رفتن به طاعت‌خانه و شکرگزاری، بر مبنای انگیزه «درونی و اصول وجدانی» اوست که در مرحله ششم رشد اخلاقی کلبرگ بدان تصریح شده است. سپاسگزاری فضل و کمال انسان را ارتقا می‌دهد در اندرز آذرباد مار سپندان آمده است «سپاسدار باش تا به نیکی ارزنده باشی» (جاماسب جی دستور، ۱۳۸۲: ۷۳).

در نخستین رویارویی، وقتی شیرین، بدون پوشش، از چشمه بیرون می‌آید، خسرو با برگرداندن چشم از او، می‌کوشد او را از خجالت و نگرانی برهاند:

زبون‌گیری نکرد آن شیر نخجیر که نبود شیر صیدافکن زبون گیر
به صبری کآورد فرهنگ در جوش نشانند آن آتش جوشنده را جوش
جوانمردی خوش آمد را ادب کرد نظرگاهش دگرجایی طلب کرد
(نظامی، ۱۳۷۶: ۱۲۶۷-۱۲۷۱)

انگیزه خسرو در این جوانمردی، در صورتی که برای به دست آوردن دل شیرین، خوب بودن در نظر او و کسب تأیید وی باشد، با اصل مرحله سوم (روابط بین فردی خوب) از مراحل رشد اخلاقی کلبرگ مناسبت دارد؛ اما بنابر توصیف نظامی، این رفتار او جوانمردانه است. این فضیلت اخلاقی با مدل اول مرحله ششم نظریه کلبرگ (انسانی و فراقاردادی) همخوان است. این فضیلت زمانی برجسته می شود که نظامی تصویری دقیق از نظرگاه خسرو ارائه می کند و آن اعضای فوقانی بدن شیرین است؛ نکته ای عمیق که از ویژگی های اشعار عاشقانه و صوفیانه زبان فارسی است (پورجوادی، ۱۳۷۰: ۲۵۱).

خسرو هنگام عزم قصر شیرین، با ممانعت و مناعت طبع شیرین روبه رو شد، به ناچار فروتنی پیش گرفت:

بگو ای دولت این رشک پری را که بازآور به ما نیک اختری را
... مبین کز توسنی خشمی نمودم تواضع بین که چون رام تو بودم
(نظامی، ۱۳۷۶: ۵۰۱۶ و ۵۰۲۰)

خسرو چون نتوانست با وعده و وعید بر شیرین دست یابد، از ترس اینکه مبادا او را از دست بدهد، به تواضع روی آورد (همان: ۵۰۲۴). اندیشه خسرو با گزاره مرحله سوم از مراحل رشد اخلاقی کلبرگ (اعتماد متقابل) توجیه پذیر است. رفتار خوب در این مرحله رفتاری است که اجازه و تصویب دیگران و خشنودی آن ها را به همراه داشته باشد (کدیور، ۱۳۷۸: ۵۰). خسرو در این مرحله می کوشد تا با رفتار مناسب، اعتماد شیرین را به دست آورد.

جایی که خسرو رقیب عشقی خود را به گفت و گو فرامی خواند، با منطقی روبه رو هستیم که نمود رفتار اخلاقی انسان متمدن است. گفت و گو نتیجه درک واقعیت رقیب است. «زیربنای گفت و گو می تواند عقلانیت باشد که از آن منطبق سود و زیان به گونه ای در ذهن متبادر می شود» (ابراهیمی، ۱۳۹۲ ب: ۱۶۴). به گواه تجربه، از قدرتمندان انتظاری نیست که اهل گفت و گو باشند. هدف خسرو در این گفت و گو تمهید رابطه است که با اصل مرحله سوم (روابط بین فردی خوب) از مراحل رشد اخلاقی کلبرگ همسانی دارد.

نخستین بار گفتش از کجایی بگفت از دار ملک آشنایی
(نظامی، ۱۳۷۶: ۳۱۶۱)

خسرو حتی در مناظره کم می‌آورد و بر آن می‌شود تا فرهاد را با سنگ و کوهکنی، از عشق شیرین دور کند (رک. همان: ۳۱۸۴).

۲-۴ توجه و خدمت به دیگری

رفتارهایی که نظامی از اشخاص داستان خسرو و شیرین درباره توجه و دوستی دیگران توصیف می‌کند، از جمله فضایل اخلاقی است. هرمز با «صداقت، رقت و توکل» برای طلب فرزند از خداوند به نذر و نیاز روی می‌کند:

نسب را در جهان پیوند می‌خواست به قربان از خدا فرزند می‌خواست
به چندین نذر و قربانش خداوند نرینه داد فرزندی چه فرزند
(همان، ۱۳۷۶: ۵۸۹-۵۹۰)

انگیزش هرمز برای داشتن فرزند پسر، حفظ نسب، ارضای نیازهای شخصی و غریزه لذت‌جویی او بود. این عمل اخلاقی با گزاره مرحله دوم (اخلاق مبتنی بر پاداش و کسب لذت) رشد اخلاقی کلبرگ توجیه‌پذیر است. در این مرحله، فرد ارجحیت را به نیازهای فوری خود می‌دهد (کریمی، ۱۳۸۸: ۷۰).

خدمت صاحبان قدرت به زیردستان می‌تواند گونه‌ای از تواضع، حمیت، رقت، رفق، شفقت، صلت رحم، تودد و مکافات (خواجه نصیر طوسی، ۱۳۶۱: ۱۱۲-۱۱۵) باشد. خسرو پس از اخذ حکمت از بزرگ‌امید خدمت‌گزاری مردم را برگزید:

چو پیدا شد برآن جاسوس اسرار نهانی‌های این گردنده پرگار
ز خدمت خوش‌ترش نامد جهانی نبودی فارغ از خدمت زمانی
(نظامی، ۱۳۷۶: ۶۳۰-۶۳۱)

این عمل خسرو با گزاره مرحله سوم، یعنی هم‌نوا شدن با دیگران در روابط میان‌فردی، از مراحل رشد اخلاقی کلبرگ تفسیر می‌شود. در این مرحله رفتار خوب تأیید دیگران را در پی دارد (عصاره و همکاران، ۱۳۹۶: ۹۹).

شیرین گله‌ای از گوسفندان بر فراز کوه بیستون داشت که فرسنگ‌ها دورتر از قصر بود و آوردن گله به نزدیکی امکان نداشت؛ زیرا گیاهان وحشی ناحیه، شیر گوسفندان را سمی می‌کرد. هر روز خدمتکاران از آنجا برایش شیر می‌آوردند. شیرین در پی چاره برای

کاهش رنج خدمتکاران، از فرهاد یاری گرفت (نظامی، ۱۳۷۶: ۲۹۹۵). چنانچه شیرین برای نفع شخصی می‌خواست از عشق فرهاد بهره‌برداری کند، انگیزه اخلاقی او نفع فردی می‌یافت و در مرحله دوم رشد اخلاقی قرار می‌گرفت؛ اما به گفته نظامی، شیرین آسایش پرستارانش را می‌جست.

دل شیرین حساب شیر می‌کرد چه فن سازد در آن تدبیر می‌کرد
 که شیر آوردن از جایی چنان دور پرستاران او را داشت رنجور
 (همان: ۲۹۳۳-۲۳۳۴)

این فضیلت نیز کمال اخلاقی شیرین را با مرحله ششم نظریه کلب‌رگ (اخلاق فراق‌رادی و انسانی) برابر می‌نهد.

شیرین وقتی باخبر می‌شود که فرهاد به خاطر عشق او به دست خسرو کشته می‌شود، بسیار متأثر شد. این تأثر از حساسیت اخلاقی او ناشی می‌شود که یکی از چهار عنصر دخیل در فرایند اخلاقی است (ابراهیمی، ۱۳۹۲ الف: ۲) و در نگرانی‌های فرد درباره عمل برای دیگران منعکس می‌شود (ایزدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۴). شیرین به پاس حرمت فرهاد، خیمه یادبود می‌آراید و پس از خاکسپاری گنبدخانه‌ای برای او می‌سازد. این قدرشناسی شیرین با گزاره مرحله ششم (اخلاق فراق‌رادی و انسانی) از مراحل رشد اخلاقی کلب‌رگ همسوست:

سراینده چنین افگند بنیاد که چون در عشق شیرین مرد فرهاد
 دل شیرین به درد آمد ز داغش که مرغی نازنین گم شد ز باغش
 به رسم مهترانش حله بریست به خاکش داد و آمد باد در دست
 ز خاکش گنبد عالی برافراخت وز آن گنبد زیارت‌خانه‌ای ساخت
 (نظامی، ۱۳۷۶: ۳۵۰۰-۳۵۰۴)

پس از کشته شدن خسرو به دست شیرویه، شیرین همه اسباب و وسایل خسرو را به نیازمندان بخشید:

وزان پس هرچه بود اسباب خسرو ز منسوج کهن تا کسوت نو
 به محرومان و محتاجان ندا کرد ز بهر جان شاهنشاه فدا کرد
 (همان: ۵۷۸۵-۵۷۸۶)

اگر رفتار شیرین را در این بخش بر خواش درونی و علاقه به خسرو نسبت دهیم، دلیل رفتارش شخصی و مطابق با استدلال مرحله سوم اخلاق کلبرگ ارزیابی می‌شود؛ اما اگر رفتارش را از عشق کمال‌یافته بدانیم، استدلال درونی‌اش با مرحله ششم فرایند اخلاقی کلبرگ همسانی می‌یابد؛ از آن‌روی که دلداگی شیرین، به یک تصویر از خسرو به عشقی کمال‌یافته تبدیل شده بود (رک. خلیل‌اللهی و برج‌ساز، ۱۳۹۵: ۱۰۸).

۲-۵ شجاعت

شجاعت یکی از اجناس چهارگانه فضایل (خواجه نصیر طوسی، ۱۳۶۴: ۱۰۹) و از ویژگی‌های بارز قهرمان نظامی در منظومه خسرو و شیرین است. ایستادگی در برابر تهدیدها و خواش‌های نامشروع خسرو، از میدان به در بردن رقبای عشقی مانند مریم و شکر، ردّ خواسته شیرویه، اداره شاپور و فرهاد، دل به کوه و بیابان زدن در جست‌وجوی خسرو، رام کردن و اجبار خسرو برای پذیرش خواسته‌هایش مانند کابین ازدواج و ترغیب او برای به دست آوردن مجدد حکومت و حفظ کرامت و حرمت خود، از جمله اخلاق برتر و شجاعانه شیرین نظامی است.

خسرو در ملاقات خود پس از باده‌نوشی، از شیرین می‌خواهد تسلیم مرادطلبی او شود؛ اما شیرین با مقاومتش او را ناامید می‌کند:

مجوی آبی که آبم را بریزد مخواه آن کام کز من برنخیزد
همان بهتر که از خود شرم داریم بدین شرم از خدا آزرم داریم
(نظامی، ۱۳۷۶: ۲۱۲۳ و ۲۱۳۰)

در روایت نظامی، استدلال اخلاقی شیرین برای پرهیزگاری، بر شرم، نیکنامی، آبرو، ترس از بدنامی و آزر از خدا استوار است. این انگیزش اخلاقی با سطح پساعرفی (سه) و دو مرحله پنجم و ششم از مراحل رشد اخلاقی کلبرگ همخوانی دارد.

ستور پادشاهی تا بود لنگ به دشواری مراد آید فرا چنگ
تو ملک پادشاهی را به دست آر که من باشم اگر دولت بود یار
(همان: ۲۱۷۳ و ۲۱۸۷)

خسرو پس از شکار و بیتوته در صحرا، هوای یار می‌کند و راه قصر شیرین پیش می‌گیرد؛ اما شیرین به محض شنیدن خبر، دستور می‌دهد در قلعه را ببندند:

خبر کردند شیرین را رقیبان که اینک خسرو آمد بی نقیبان
 دل پاکش ز ننگ و نام ترسید وز آن پرواز بی هنگام ترسید
 حصار خویش را در داد بستن رقیبی چند را بر در نشستن
 (همان: ۴۰۵۶-۴۰۵۸)

استدلال شیرین در پیشگیری از تهمت (همان: ۴۱۵۷) در مرحله پنجم رشد اخلاقی کلبرگ نمود دارد.

خسرو به سبب یاری گرفتن از شاه روم، مریم را بانوی کاخ کرده بود و برای صلاح دولتش به داشتن دو زن رغبت نمی کرد. او شاپور را مأمور کرد تا شیرین را پنهانی به کاخ بیاورد:

بیار آن ماه را یک شب درین برج که پنهان دارمش چون لعل در درج
 همان بهتر که با آن ماه دلدار نهفته دوستی و رزم پری وار
 (همان: ۲۷۲۱ و ۲۷۲۴)

شیرین در مقابل درخواست شاپور نهیب تندی زد و او را به بی انصافی منتسب کرد (همان: ۲۷۳۴ و ۲۷۳۶ و ۲۷۳۷) و بی رسمی شاه را نپذیرفت (همان: ۲۷۹۱). او بر رسوم اجتماعی و احترام به حرمت افراد تأکید ورزید. استدلال شیرین بر اصل پنجم اخلاقی کلبرگ منطبق است.

کسادی چون کشم گوهر نژادم نخوانده چون روم آخر نه بادم
 بیا گو گر منت باید چو مردان به پای خود کسی رنجه مگردان
 (همان: ۲۷۴۴ و ۲۸۳۷)

جسارت شیرین در مقابل عشرت جویی خسرو در همه جای داستان خسرو و شیرین اصل ثابت است؛ اما روش خسرو در زناشویی، شبیه ازدواج سفید است. خسرو از تعهد و پایبندی در این رابطه فرار می کند (رک. اکبرزاده و هاشمیان فر، ۱۳۹۸: ۱۷۸). خسرو با آوردن شکر اصفهانی «استقامت اخلاقی شیرین را در بوتۀ آزمایش می نهد» (مؤید، ۱۳۷۰؛ نقل از خلیل‌اللهی و برج‌ساز، ۱۳۹۵: ۱۱۱)؛ اما شیرین جسورانه خسرو را به خاطر بی رسمی سرزنش می کند:

تو با شکر توانی کرد این شور نه با شیرین که بر شکر کند زور
دو دلبرد داشتن در یکدلی نیست دو دل کردن کسی را عاقلی نیست
(نظامی، ۱۳۷۶: ۴۱۶۴ و ۴۱۶۷)

شیرین در پی دیدار خسرو به لشکرگاه او می‌رسد. وقتی شاپور را می‌بیند از او می‌خواهد برای انجام دو خواسته وی را مطمئن گرداند. اول اینکه، هر وقت خسرو به عیش و نوش نشست، شیرین را به جای خلوت و مطمئن ببرد. دیگر اینکه با عهد و کاوین به سراغ شیرین بیاید؛ زیرا او مانند سوژه‌ای «هویت خویش را نه به‌عنوان یک زن بلکه به‌منزله یک انسان با حقوقی برابر مطالبه می‌کند» (اکبرزاده و هاشمیان‌فر، ۱۳۹۸: ۱۹۶).

دوم حاجت که چون یابد به من راه به کاوین سوی من بیند شه‌نشاه
گر این معنی به‌جای آورد خواهی بکن ترتیب تا ماند سیاهی
وگرنه تاره خود پیش گیرم سر خویش و سرای خویش گیرم
(نظامی، ۱۳۷۶: ۴۸۰۶-۴۸۰۸)

شیرین با وجود علاقه به خسرو و رفتن به شکارگاه، از بدعهدی بیزار است. به اعتقاد او در جامعه قوانین و رسومی وجود دارد که باید پذیرفت و به آن‌ها احترام گذاشت. چنانکه کلبرگ در مرحله پنجم رشد اخلاقی به آن تأکید کرده است.

۶-۲ عشق و اخلاص

در فضیلت بودن عشق بحث‌های بسیاری وجود دارد؛ اما عشق یک مسئله اخلاقی (رک. ثروت، ۱۳۷۰: ۱۴۹) و عیار راستی است. عشق فرهاد یک‌سویه است؛ اما صداقت و خلوص در آن موج می‌زند «فرهاد قربانی عشق است» (رک. دهقانیان و فراشاهی‌نژاد، ۱۳۹۴: ۷۳). عشق او در زمره عشق افلاطونی قرار دارد که «همه‌جا در پی زیبایی می‌گردد» (باومن، ۱۳۸۴: ۲۷). در پی فراگیری آوازه کوهکنی فرهاد، شیرین یک شب برای او ساغری از شیر می‌برد. جاسوسان خبر دیدار آن دو را به خسرو می‌رسانند. به‌دنبال آن، خسرو نیرنگی پی می‌افکند و پیامی دروغین با فحواي مرگ ناگهانی شیرین، به فرهاد می‌فرستد. داغ بر دل فرهاد می‌افتد و جان می‌بازد.

صلای درد شیرین در جهان داد زمین بر یاد او بوسید و جان داد
(نظامی، ۱۳۷۶: ۳۴۴۴)

عشق باعث وحدت عاشق با معشوق می‌شود؛ فرهاد با وجود آگاهی از مرگ خویش، از آن استقبال می‌کند:

چو تو هستی نگویم کیستم من ده آن تست در ده چیستم من
 نشاید گفت من هستم تو هستی که آنگه لازم آید خودپرستی
 (همان: ۳۳۳۱-۳۳۳۲)

پیش از آن، شیرین برای انتقال شیر گله‌ها از فراز کوه بیستون به قصر خویش، از فرهاد یاری جسته بود و فرهاد نیز با جان و دل پذیرفته بود:

به یک ماه از میان سنگ خارا چو دریا کرد جویی آشکارا
 (همان، ۱۳۷۶: ۲۹۹۵)

انجام چنین کار دشوار برای کسب پاداش (مطابق مرحله دوم رشد اخلاقی)، محمل عقلی ندارد. دیوید هیوم نیز مسئولیت عواطف را در انگیزش عمل اخلاقی بر عقل مقدم داشته است. او استدلال را در انگیزش اخلاقی دارای نقش تبیین‌کننده و آگاهی‌بخش و باورآفرین دانسته است (Hume, 1978: 416). در اینجا نظامی «نازک‌کاری» فرهاد را برخاسته از عشق می‌داند:

ز شیرین گفتن و گفتار شیرین شده هوش از سر فرهاد مسکین
 سخن‌ها را شنیدن می‌توانست ولیکن فهم کردن می‌ندانست
 زبانش کرد پاسخ را فرامشت نهاد از عاجزی بر دیده انگشت
 (نظامی، ۱۳۷۶: ۲۹۸۳-۲۹۸۵)

چون کشش درونی، چنین رفتار جنون‌آمیز را برانگیخته است، آن را با استدلال اخلاقی مرحله ششم کلبرگ می‌توان توصیف کرد. چنانچه شیرین برای نفع شخصی می‌خواست از عشق فرهاد «بهره‌برداری» کند، انگیزه اخلاقی او «نفع» فردی می‌یافت و در مرحله دوم رشد اخلاقی قرار می‌گرفت. همچنانکه در پی مشاهده خسرو و توصیف شاپور از او، ندیمان و و یاران خود را رها کرد و برای دیدار خسرو به سوی مداین تاخت. انگیزه شیرین از این جست‌وجو، دلدادگی بود. براساس مرحله دوم رشد اخلاقی کلبرگ، آنچه در این مرحله اهمیت دارد، ارضای نیازها، لذت‌جویی و پاداش و منافع شخصی است (کریمی، ۱۳۸۸: ۷۰)

نشان می‌جست و می‌رفت آن دل‌افروز چو ماه چارده شب چارده روز

(نظامی، ۱۳۷۶: ۱۱۷۶)

وقتی شاپور تصویر خسرو را در نزهتگاه شیرین قرار می‌دهد تا نظر وی را به خسرو جلب کند، شیرین «بهر دیداری از وی مست می‌شد، مهر و علاقه به شیرین، نگهبانان را به پاره کردن تصویر خسرو واداشت. این دوستی و رابطه مهرآمیز، مرحله ششم رشد اخلاقی کلبرگ را تداعی می‌کند که کشش درونی، فراتر از عرف و قانون قرار می‌گیرد و در سایه آن بدون اطلاع شیرین و پنهانی تصویر را از منظر او دور می‌کنند.

نگهبانان بترسیدند از آن کار کزان صورت شود شیرین گرفتار
دریدند از هم آن نقش گزین را که نقش از وی برد چین را

(همان: ۹۰۷-۹۰۸)

شبی که خسرو در کنار شیرین آرمیده بود. فرستاده شیرویه به بالین او آمد و با دشنه‌ای جگرگاهش را درید؛ اما خسرو با اینکه به تلخی جان می‌سپرد، به دل راضی نشد که خواب شیرین برآشوبد و اینچنین اخلاص خود را در عشق او به کمال رساند. چنین منشی مرحله ششم رشد اخلاقی کولبرگ را پشت سر می‌گذارد:

شبی تاریک نور از ماه برده فلک را غول‌وار از راه برده
فرود آمد ز روزن دیو چهری نبوده در سرشتش هیچ مهری
به بالین شه آمد تیغ در مشت جگرگاهش درید و شمع را کشت
به تلخی جان چنان داد آن وفادار که شیرین را نکرد از خواب بیدار

(همان، ۱۳۷۶: ۵۷۱۶ و ۵۷۲۶ و ۵۷۲۹ و ۵۷۳۸)

پس از مرگ خسرو، شیرویه از شیرین خواستگاری می‌کند. شیرین می‌کوشد ناخشنودی خود را از او پپوشاند تا از گزندش دور باشد. چاره‌گری شیرین برای دفع‌الوقت، گزاره مرحله اول رشد اخلاقی کلبرگ را فریاد می‌آورد.

نهانی کس فرستادش که خوش باش یکی هفته در این غم بارکش باش
... خداوندی دهم بر هر گروهش ز خسرو بیشتر دارم شکوهش
چو شیرین این حکایت‌ها نیشید چو سرکه تند شد چون شیر جوشید
فریش داد تا باشد شکیش نهاد آن کشتنی دل بر فریش

(همان: ۵۷۵۹-۵۷۶۴)

هنگامی که خسرو را به دخمه می‌برند شیرین خود را بدانجا می‌رساند و دشنه‌ای بر تن خود می‌زند و در کنار خسرو جان می‌سپارد:

چو مهد شاه در گنبد نهادند بزرگان روی در روی ایستادند
 میان دربست شیرین پیش موبد به فراشی درون آمد به گنبد
 در گنبد به روی خلق دربست سوی مهد ملک شد دشنه در دست
 جگرگاه ملک را مهر برداشت ببوسید آن دهن کو در جگر داشت
 بر آن آیین که دید آن زخم را ریش همان‌جا دشنه‌ای زد بر تن خویش
 (همان: ۵۸۱۰-۵۸۱۴)

هستی شیرین آخرین هدیه باقی مانده از گنج وفای او بود که به خسرو تسلیم شد. این اخلاص، با آخرین مرحله رشد اخلاقی تئوری کلبرگ (مرحله ششم) همخوان است. تطبیق دلایل و رفتارهای اخلاقی شخصیت‌ها با مراحل رشد اخلاقی کلبرگ

| مرحله | انگیزه / استدلال | رفتار | عامل | عنوان | ردیف |
|-------|------------------------------------|--------------------------------------|-----------|----------------|------|
| ۳ | ادامه رسم پدر (رعایت رسوم) | دادورزی | هرمز | عدالت | ۱ |
| ۲ | سلامتی (نفس) پسر خسرو | جلوگیری از تعدی به مردم | هرمز | | |
| ۳ | رعایت رسوم و قواعد جمعی | دستور تنبیه خسرو | هرمز | | |
| ۳ | رعایت رسوم و قواعد به رسم نوشیروان | دادگری هنگام جلوس به تخت شاهی | خسرو | | |
| ۳ | رعایت رسوم و قواعد جمعی | کنارگذاشتن بیداد با پند بزرگ‌امید | خسرو | | |
| ۳ | رعایت رسوم و قواعد جمعی، حفظ نظم | مقایسه پنج طبقه مردم | خسرو | | |
| ۵ | نفع همگان | ترک حکومت برای حفظ داد | شیرین | | |
| ۶ | عفت درونی / ترس از ننگ | خودپوشی در چشمه | شیرین | پاکدامنی و عفت | ۲ |
| ۶ | پرهیزگاری | ناراحتی از بی‌حجابی | شیرین | | |
| ۶ | پارسایی | اقامت در قصر شیرین | شیرین | | |
| ۵ و ۶ | ترس از بدنامی | فاصله‌گیری از خسرو | شیرین | | |
| ۵ | توجه به پیمان اجتماعی و حرمت‌ها | اعتقاد و تأکید به ازدواج عرفی و حلال | مهین بانو | | |

| | | | | | |
|-------|--------------------------------------|-------------------------------------|-----------|------------------------|---|
| ۵ | رفاه و نفع همگان، احترام به فردیت‌ها | بخشیدن خسرو | هرمز | عفو و تواضع و جوانمردی | ۳ |
| ۴ و ۲ | نفع شخص؛ کسب شأن اجتماعی | عذرخواهی | خسرو | | |
| ۶ | اصول وجدانی | شکرگزاری | خسرو | | |
| ۶ | جوانمردی | بازگرداندن نگاه از شیرین در چشمه | خسرو | | |
| ۳ | کسب رضایت و اعتماد | تواضع در برابر شیرین | خسرو | | |
| ۳ | تمهید رابطه | گفت‌وگو با فرهاد | خسرو | | |
| ۶ | بزرگواری و کریمی | عفو شیرین برای فرار | مهین‌بانو | | |
| ۲ | منافع شخصی | نذر قربانی | هرمز | توجه و خدمت به دیگری | ۴ |
| ۳ | هم‌نوایی با دیگران (عموم) | خدمتگزاری مردم | خسرو | | |
| ۶ | گرایش درونی | توجه به خدمتگزاران | شیرین | | |
| ۶ | قدرشناسی عشق او | بزرگداشت سوگ فرهاد | شیرین | | |
| ۶ | عشق درونی | بخشش وسایل خسرو | شیرین | شجاعت | ۵ |
| ۶ و ۵ | بلوغ عقلی و فردیت | رد مرادطلبی خسرو | شیرین | | |
| ۵ | توجه به پیمان اجتماعی و حرمت‌ها | راهنمادادن خسرو به قصر خود | شیرین | | |
| ۵ | تأکید بر رسوم اجتماعی و حرمت افراد | نرفتن با شاپور به پیش خسرو | شیرین | | |
| ۵ | رعایت عرف و قوانین اجتماعی | سرزنش خسرو به‌خاطر شکر | شیرین | | |
| ۵ | پابندی به قوانین و رسوم اجتماعی | شرط کابین پیش از دیدار رسمی | شیرین | | |
| ۶ | کشش و عشق درونی | تراشیدن سنگ برای انتقال شیر به قصر | فرهاد | | |
| ۶ | اخلاص در عشق | جان‌سپاری فرهاد در پی خبر مرگ شیرین | فرهاد | | |
| ۶ | اخلاص | مهر پاک به شیرین و وفاداری به خسرو | شاپور | | |
| ۶ | مهر درونی شیرین | پاره‌کردن تصویر خسرو | نگهبانان | | |
| ۶ | عشق خالص درونی | بیدار نکردن شیرین در هنگام مرگ | خسرو | | |
| ۲ | لذت و منافع شخصی | عزم مداین برای دیدار خسرو | شیرین | | |
| ۶ | وفاداری به خسرو | دفع‌الوقت در برابر درخواست شیرویه | شیرین | | |
| ۶ | اخلاص در عشق | خودکشی پس از مرگ خسرو | شیرین | | |

تحلیل جدول: رفتار سه شخصیت داستان در ذیل مجموعه اخلاق عدالت محور قرار دارد که نقش هرمز و خسرو، به سه مورد و نقش شیرین به یک مورد محدود می شود؛ اما استدلال و انگیزه های آن ها نشان می دهد که رشد اخلاقی هرمز و خسرو در مرتبه دوم و سوم و استدلال شیرین در مرحله پنجم رشد اخلاقی کبرگ قرار می گیرد.

پاک دامنی و عفت مؤلفه دیگری است که به کنش شیرین دلالت دارد. پارسایی و کشش درونی، انگیزه اخلاقی شیرین است که با مرحله ششم رشد اخلاقی کبرگ مطابق است. هرمز، خسرو و مهین بانو به عفو و جوانمردی منسوب شده اند. کرامت هرمز به عفو وی در حق فرزندش محدود است که با توجه به انگیزه رعایت نفع همگان، احترام به فردیت ها (نظر درباریان)، در حد مرحله چهارم رشد اخلاقی کبرگ ارزیابی می شود. در این باره عذرخواهی هرمز به علت حفظ نفع شخصی و کسب شأن اجتماعی، به مرحله دوم و چهارم رشد ناظر است. انگیزه کسب رضایت شیرین و ایجاد رابطه با فرهاد، عمل او را در مرحله سوم رشد اخلاقی کبرگ قرار می دهد. جوانمردی و هم نوایی با وجدان، رشد اخلاقی او را به پایه ششم تقسیم بندی کبرگ می رساند. گذشت مهین بانو در حق شیرین نیز با درجه ششم رشد اخلاقی همپایگی دارد.

توجه و خدمت به دیگری مؤلفه چهارم اخلاقی در خسرو و شیرین است که انگیزه رفتار هرمز و خسرو در این حوزه، با مرحله دوم و سوم رشد اخلاقی کبرگ هم مرتبه اند؛ اما انگیزه درونی فرا عرفی شیرین با سه کنش، مقام برترین مرحله رشد کبرگ را به اخلاق او می بخشد. شجاعت مؤلفه پنجم اخلاقی است که با پنج کنش به رفتار شیرین منحصر می شود. به جز یک مورد که بلوغ عقلی وی آن را تا مرحله ششم رسانده است، بقیه اعمال او با استدلال رعایت پیمان اجتماعی و حرمت همگان، با مرحله پنجم رشد اخلاقی کبرگ هم ردیف است.

عشق مؤلفه ششم و تم اصلی داستان خسرو و شیرین است. خسرو، شیرین، فرهاد، شاپور و حتی مهین بانو و یاران شیرین، قهرمانان عاطفی این داستان اند و اخلاص آنان، رشد اخلاقی را به اوج می رساند. عشق اولیه شیرین به خسرو در پی دیدن تصویر او به سبب انگیزش لذت جویی و منافع شخصی است که بر مرحله دوم رشد اخلاقی کبرگ

دلالت دارد؛ به جز این مورد، انگیزش و دلیل شیرین در سایر رفتارها و نیز عشق خسرو، فرهاد و نگهبانان شیرین، درونی و عمیق است و مرحله ششم رشد اخلاقی کلبرگ را تداعی می‌کند.

۳- نتیجه‌گیری

نظامی در ترسیم جامعه آرمانی، مصمم بوده است تا از مستبدترین شاهان ساسانی، والاترین صفات اخلاقی را به تصویر بکشد. توطئه، فریب، عشرت‌جویی، بیداد و قتل از جمله رذایل اخلاقی و جزو رفتارهای خسرو و شیرویه است. هدف اصلی این مقاله بررسی رشد اخلاقی در داستان خسرو و شیرین بود؛ بنابراین فقط فضایل اخلاقی در محدوده پژوهش قرار داشت. بررسی داستان نشان داد که می‌توان اخلاق شخصیت‌های آن با مراحل رشد اخلاقی کلبرگ ارزیابی کرد. با توجه به اینکه مبنای نظریه اخلاقی کلبرگ بر شناخت و استدلال عامل اخلاقی استوار است، اخلاق در این مقاله بر رفتار کنشگران دلالت دارد.

در داستان خسرو و شیرین، شش مؤلفه اخلاقی عمده مربوط به رفتار شخصیت‌ها شناسایی شد. هریک از آن‌ها، کنش‌های متعددی را در بر می‌گیرد و هرکدام بر انگیزه یا استدلال خاصی استوار است.

این جستار نشان می‌دهد که تأثیر استبداد و سلطه قدرت، کنشگر اخلاقی را از زسیدن به مراحل برتر بازداشته است. پاکدامنی و عفت در رفتار زنان، فضیلت برجسته و معنی‌دار به شمار می‌آید و نتیجه رشد و کمال اخلاقی است.

برپایه این پژوهش، غالب رفتار قدرتمندان در بخشش و کرامت، بر نفع شخصی، اقبال دیگران، کسب یا حفظ موقعیت اجتماعی خود و جلب نظر دیگران برای خود، مبتنی و مستدل است؛ از این رو معمولاً در مراحل پایین رشد اخلاقی ارزیابی می‌شود. دوستی دیگران نیز در رفتار حاکمان نمی‌تواند به مراتب متعالی رشد اخلاقی صعود کند. در داستان بررسی شده، اختصاص فضیلت شجاعت به شیرین، تأیید می‌کند که او صاحب مقام قهرمانی داستان است؛ اما این مرتبه از رعایت قواعد اجتماعی و حرمت

دیگران به دست می‌آید. عشق در خسرو و شیرین، تنها انگیزشی است که پس از کمال، هر شخص وضع و شریف را به مقام اخلاص و ایثار می‌رساند. فضیلتی که در تفسیر کلب‌رگ نیز بالاترین مرحله رشد اخلاقی شمرده می‌شود.

فضایل اخلاقی موصوف در منظومه خسرو و شیرین، منظر وارستگی، بلندطبعی و کمال اخلاقی نظامی است که در فرهنگ دیرین ایرانی و اسلامی ریشه دارد. تحلیل آن‌ها در چارچوب تئوری‌های استدلال‌محور و شناختی مانند همین نظریه کلب‌رگ، بیانگر آن است که رشد معرفت و شناخت با رشد و قضاوت اخلاقی براساس محدوده سنی، تفاوت محسوسی ندارد؛ زیرا رشد معرفت با رشد سنی هیچ منافاتی ندارد. امری که نویسندگان مقاله «بررسی تطبیقی رشد اخلاقی از دیدگاه اسلام و کلب‌رگ»، آن را به‌عنوان تفاوت دیدگاه اسلام و نظریه کلب‌رگ معرفی کرده‌اند.

از دو نکته مهم علمی در بررسی‌های همسان این جستار، نباید غفلت ورزید. نخست اینکه کمالات اخلاقی اغلب در بالاترین مرحله رشد اخلاقی جای دارد؛ چنانکه در این پژوهش، هفده کنش اخلاقی از مجموع سی و هفت کنش، در مرحله ششم قرار دارند؛ ثانیاً نمی‌توان ریشه استدلال‌ها را دقیقاً به یکی از مؤلفه‌های آموزش، رشد سن، رشد عقل و شناخت انسان منحصر دانست؛ زیرا این مسئله را نمی‌توان جز با پژوهش‌های میدانی و خاص بررسی و شناسایی کرد.

پی‌نوشت

۱. در ارجاع به خسرو و شیرین نظامی، به‌جای شماره صفحه، شماره بیت آمده است.

2. moral development

منابع

۱. ابراهیمی، ایران (۱۳۹۲ الف)، تهیه و برآزش مدلی برای بررسی حساسیت اخلاقی و رابطه آن با تدریس مراقبتی معلمان شهر کامیاران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان.
۲. ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۹۲ ب)، «عدالت، گفت‌وگو و امنیت بین‌المللی»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌المللی، شماره ۶۰، ۱۵۹-۱۸۰.

۳. اکبرزاده، فاطمه؛ هاشمیان‌فر، سید علی (۱۳۹۸)، «از اخلاق متعارف تا اخلاق فراعرفی؛ تجربه تعهد گونه‌شناسی در ازدواج سفید»، *جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، ۶ (۱۴)، ۱۷۷-۲۰۵.
۴. الوانی، سید مهدی؛ حسن‌پور، اکبر؛ داوری، علی (۱۳۸۹)، «تحلیل اخلاق سازمانی کارکنان با استفاده از الگوی دایره اخلاق»، *فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری*، سال ۵، شماره‌های ۳ و ۴، ۲۵-۳۴.
۵. ایزدی، احمد؛ ایمانی، الهام؛ خادمی، زهرا؛ اسدی نوقابی، فریبا؛ حاجی‌زاده، نینا؛ نقی‌زاده، فاطمه (۱۳۹۲)، «همبستگی حساسیت اخلاقی پرستاران با رفتار مراقبتی آن‌ها»، *مجله ایرانی اخلاق و تاریخ پزشکی*، دوره ۶، شماره ۲، ۴۳-۵۶.
۶. ایمان‌پور، محمدتقی و همکاران (۱۳۸۹)، «سرکوبگر بدعت و نماد عدالت (انوشیروان در تاریخ‌نگاری اسلامی)»، *فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام*، شماره ۶، ۷-۲۸.
۷. ایمانی‌فر، حمیدرضا؛ فاطمی، جمیله؛ امینی، فاطمه (۱۳۹۱)، «بخشش از دیدگاه روان‌شناسی و قرآن کریم»، *انسان‌پژوهی دینی*، سال ۹، شماره ۲۷، ۱۴۹-۱۷۵.
۸. باومن، زیگموت (۱۳۸۴)، *عشق سیال در باب ناپایداری پیوندهای انسانی*، ترجمه عرفان ثابتی، تهران: ققنوس.
۹. بخشایش، علیرضا؛ فرزاد، مطهره (۱۳۹۳)، «بررسی تطبیقی رشد اخلاقی از دیدگاه اسلام و کلبرگ»، *کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی*، قم: مرکز راهبری مهندسی فرهنگی شورای فرهنگ عمومی استان بوشهر و تحت حمایت سیویلیکا، ۳۷۵-۳۹۱.
۱۰. پورجوادی، نصرالله (۱۳۷۰)، «شیرین در چشمه»، *نشر دانش*، شماره ۶۴، ۲۴۶-۲۵۵.
۱۱. ثروت، منصور (۱۳۷۰)، *گنجینه حکمت در آثار نظامی*، تهران: امیرکبیر.
۱۲. جاماسب جی دستور منوچهر جی جاماسب آسانا (۱۳۸۲)، *متن‌های پهلوی*، به کوشش سعید عریان، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
۱۳. جهانگیرزاده، محمدرضا (۱۳۹۰)، «دیدگاه‌های شناختی تحولی در رشد اخلاقی»، *معرفت اخلاقی*، سال ۲، شماره ۴، ۱۰۱-۱۲۲.

۱۴. خلیل‌اللهی، شهلا؛ برج‌ساز، غفار (۱۳۹۵)، «بررسی عشق در خسرو و شیرین نظامی براساس دیدگاه‌های گیدنز، دانیو و ایوانز»، پژوهشنامه ادب غنایی، سال ۴، شماره ۲۷، ۱۱۴-۱۰۱.
۱۵. خواجه نصیرالدین طوسی (۱۳۶۴)، اخلاق ناصری، به تصحیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، چاپ سوم، تهران: خوارزمی.
۱۶. دانشگر، مجید (۱۳۹۰)، «عفو و بخشش از نظر روان‌شناسی و الهیات مسیحی»، پژوهش‌های فلسفی و کلامی، دوره ۱۳ شماره ۲، پیاپی ۵۰، ۱۱۶-۱۰۷.
۱۷. دهقانیان، جواد؛ فراشاهی‌نژاد، یاسر (۱۳۹۴)، «واکاوی شخصیت فرهاد در داستان خسرو و شیرین نظامی»، شعرپژوهی (بوستان ادب)، سال ۷، شماره ۲ (پیاپی ۲۴)، ۹۰-۷۳.
۱۸. رحمانیان، زینب (۱۳۹۳)، «بررسی تطبیقی رشد اخلاقی در قابوسنامه از دیدگاه کلب‌رگ»، پژوهش‌های ادبی و بلاغی، سال ۲، شماره ۸، ۴۵-۳۲.
۱۹. رضایی، منیره (۱۳۹۱)، «بررسی نقش سبک‌های والدگری در تحول اخلاقی نوجوانان دختر شهر تهران»، خانواده و پژوهش، شماره ۱۴، ۱۲۰-۹۹.
۲۰. سعیدی سیرجانی، علی‌اکبر (۱۳۸۴)، سیمای دو زن، چاپ نهم، تهران: پیکان.
۲۱. سلمان‌زاده، پروین؛ فرهادی، اعظم (۱۳۹۴)، «بررسی تطبیقی اهداف و روش‌های تربیت اخلاقی از منظر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و لورنس کلب‌رگ»، نامه جامعه، دوره ۲، شماره ۱۱۵، ۱۶۰-۱۲۷.
۲۲. شعاع کاظمی، مهرانگیز؛ میرمحمدحسین اوشانی، سیده آتنا؛ فرزانه، نقیب (۱۳۹۴)، «رابطه آموزه‌های دینی والدین و رشد اخلاقی کودکان دبستانی»، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، دوره ۲۳، شماره ۲۹، ۱۲۰-۱۰۷.
۲۳. عسگری، مرضیه (۱۳۹۵)، «صفات اخلاقی عاشق در عاشقانه‌های نظامی»، همایش ملی ادبیات غنایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد، ۱۴-۱.

۲۴. عصاره، علیرضا؛ مهدیزاده تهرانی، آیدین؛ امینی زرین، علیرضا؛ عظیمی، شادی (۱۳۹۶)، «نقدی بر نظریه رشد قضاوت اخلاقی لارنس کلبرگ پژوهشی در بررسی چندجانبه نظریه کلبرگ و ارائه رهنمودی درباره مراحل رشدی او»، *فصلنامه تعلیم و تربیت*، شماره ۱۳۴، ۹۳-۱۱۲.
۲۵. فانی، حجت‌الله؛ فانی، معصومه (۱۳۹۴)، «رابطه بین تعارضات زناشویی والدین با رشد قضاوت اخلاقی و رضایت از زندگی دانش آموزان دختر»، *زن و جامعه*، سال ۶، شماره ۴، (پیاپی ۲۴)، ۷۵-۵۹.
۲۶. فیروزمهر، محمدمهدی (۱۳۹۰)، «رویکردهای دسته‌بندی مسائل اخلاقی»، *فصلنامه علمی - ترویجی اخلاق*، سال ۱ شماره ۴، ۸۹-۱۲۰.
۲۷. کانت، ایمانوئل (۱۳۸۸)، *درس‌های فلسفه اخلاق*، ترجمه منوچهر صانعی دره‌بیدی، چاپ چهارم، تهران: نقش و نگار.
۲۸. کدیور، پروین (۱۳۷۸)، *روانشناسی اخلاق*، چاپ اول، تهران: آگه.
۲۹. کریمی، عبدالعظیم (۱۳۸۸)، *روانشناسی رشد مراحل شکل‌گیری اخلاق در کودک* (با تأکید بر رویکردهای تحولی)، چاپ دوم، تهران: عابد.
۳۰. گلستانی، سید هاشم؛ یوسفی، علیرضا و رضائیان، فیروز (۱۳۸۷)، «غزالی و اخلاق فضیلت دینی»، *دانش و پژوهش در علوم تربیتی - برنامه‌ریزی درسی*، شماره ۲۰، ۲۰-۱.
۳۱. لویمی، سهیلا (۱۳۹۶)، «اخلاق‌مداری در شخصیت‌های مطرح در منظومه خسرو و شیرین»، *پژوهش‌های اخلاقی*، سال ۸، شماره ۲، ۱۸۹-۲۰۸.
۳۲. معدن‌کن، معصومه (۱۳۸۴)، «رمز محمودی»، *فصلنامه فرهنگستان*، شماره ۲۷، ۸۱-۵۵.
۳۳. نراقی، ملاحمد (۱۳۷۱)، *معراج السعاده*، چاپ اول، قم: هجرت.
۳۴. نظامی گنجه‌ای، الیاس (۱۳۷۶)، *خسرو و شیرین*، تصحیح برات زنجانی، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران.

۳۵. نصیری، منصور (۱۳۸۷)، «نگاهی به نظریه رشد اخلاقی کالبرگ»، معرفت، شماره ۱۳۲، ۱۲۵-۱۳۴.

۳۶. نوروزی، رضاعلی؛ عاطفت دوست، حسین (۱۳۹۰)، «تربیت اخلاقی؛ بررسی تطبیقی دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی و کالبرگ»، معرفت اخلاقی، ۲ (۲)، ۵۳-۶۸.

۳۷. یثربی، سید یحیی (۱۳۸۱)، «امام محمد غزالی و خردورزی و دین داری»، مجله ذهن، شماره ۱۱ و ۱۲، ۳-۶۲.

38. Gibbs, J. C. (1995), **The Cognitive Developmental Perspective**, In Kurtines W. M., & Gewirtz J. L. *Moral Development: An Introduction*. Boston: Allyn & Bacon.

39. Hume, D., (1978), **A Treatise of Human Nature**, Selby Bigge, 2nd ed. P.H, Nidditch, Oxford: Clarendon Press.

40. Kohlberg, L. (1984), **Essays on moral development**, Vol. II, The psychology of moral development, San Francisco, CA: Harper & Row.

41. Kohlberg, L. (1976), **Moral stages and moralization: The cognitive-developmental**, In *Moral development and behavior: Theory, research and social issues*, ed. T. Lickona, New York: Holt, Rinehart and Winston.

42. Piaget, J. (1965), **Moral Judgement of the child**, New York: Free Press.

